

یکشنبه غره ذیحجه الحرام ۱۲۹۹ هجری
حاملین این روزنامه در طهران و غیره
از سایر بلاد ایران حق مطالبه
قیمت ندارند



مطابق با نهم اکبر قافرانسه ۱۲۹۹ هجری
اعلان این روزنامه قیمت ندارد
دارالطباعة خاصه علمیه در طهران
مبارک و امر الفنون

روزنامه دانش ماهی و مرتبه طبع و مجانا نقیبه میشود هر کس اخبار اطلاع
در معلوم بر و نیز منویا بان از دفتر علمیه با سمر در سفر حق اهدا

اخبار و نشر علم
مجلس حافظ الصحه که چند بعلت تعطیل مدرسه مبارک
دارالفنون و التزام بعضی از اعظام اطباء فحام در
رکاب ظفر انساب بندکان اعلی حضرت قدس قدر
همایون شاهنشاهی خلد الله مملکه و سلطان و اقامت
برخی از سایر اطباء در سیلابات در عهد تعطیل و تعویق
بود روز یکشنبه بیست چهارم ذیحجه الحرام
افتتاح پذیرفت و بر حسب اشارت جناب جلال الثاب
وزیر علوم جناب رئیس مدرسه مبارکه از تمام اجراء
مجلس دعوت نموده سه ساعت بغروب مانده در بنا الاخان
سرد مدرسه مبارکه دارالفنون مجلس مزبور برپا شد
و بعد از هر یکشنبه منعقد خواهد بود صورت و وزینجا

صحتیه دارالخلافه با همه وسایر ولایات مالک محرم
قرائت شد و ثبت دفتر مجلس کرد بد لله الحمد تمام لا با
از اقامت و امراض عجمی و افده و بلیات مسریه و
ردیه محفوظند و مرضیه که امسال در اغلب بلاد
شیاع داشته منحصر بنوبه و اقسام حیثات دائره
بوده و در بعضی اماکن ذر و سنظار با با اسهال اطفال
نیز شیوعی بهم رسانیده بوده و بجز الله غالب
انها منتهی بشفا و صحت میشد اند
پیرز احسا الدین طبیب حافظ الصحه شیراز رسا
در باب شیاع و وفود نوبه در فارس نوشته مجلس
فرستاده بود قرائت شد و مستحسن افتا طبیب
مشار الیه علت بروز این مرض و وفود انرا تواتر
و کثرت بارندگی در این دو سال اخیر ظهور بعضی

لسان معنا العلو حجتنا جعفر بن علی و سیر کمال الامین

(۶۳) چرا بر قها کاهی مانند قطعه های بزرگ نور یک جزء فوق را متور می کنند و مثل آستکه شعله در تابند
ج اولاً آنکه ممکن است خلو الکتریسیت در خط منحنی ابرها در هم و مغشوش نباشد خواه از بابت اینکه قوتشان زیاد نباشد
و خواه از بابت اینکه فاصله های یکدیگر بنمایین بردها است بقدر کفایت هادی قوه الکتریسیت نباشند ثانیاً چون برق
منعکس میشود در ابرها یکدیگر از او پوشیده اند و انهارا روشن میکند لهذا نور انرا بپنج ناچار بنور مخلوط میدهند
(۶۴) آیا برق با شکل دیگری دیده نمیشود ج کاهی خلو الکتریسیت و برق بشکل مسند بر بنظر آید و انرا برق
کلوله گویند و این اسم غلط است باید صاعقه کلوله نامید در این شکل صاعقه ان سرعت زیاد دارد و حرکت ان بطی است
بسته که چشم میتواند چند ثانیه سیر عبور ان کند و تصور صاعقه کلوله را چنین میتوان کرد که قوت الکتریسیت زیاد و اول

مرد آنها و ذرع شلوك در حواله شیر از میدانند
ضمناً از مواظبت اجزاء حکومتی در نظیف کوچها
ومغایر عجب همت نماید که در تخفیف مرض و قلت دوائی
ان مداخله نامرد داشته است

بقیة رساله ذوات الاذنیان تالیفات معتد السطان حاجی نجم الملک

اختلاف پنجم ذوات الاذنیان از ستیارات از حیثیت
سمت حرکت است و باین لحاظ در عالم شمسه ستاره ها
دنباله دار کرده اند بمنزله ستاره های جمیع ستیارات
و جمیع اقمار آنها حرکاتشان در حواله افق است
برقواله بروج از مغرب بسمت شرق یعنی از جلوه آیند
به ثور و از ثور بچوزا و هکذا و این نوع حرکت را
سیر نقیم گوئیم و بلکه حرکات عینیه آنها در محور
خودشان نیز چنین است و لیه ذوات الاذنیان علاوه
بر آنکه دور خودشان نمیکردند حرکات خاصه که دور
افق است و ایند که مستقیم است مثل ستیارات و گاه
راجع است یعنی از شرق بسمت مغرب حرکت میکنند
و از جنوب می آیند به دلو و از دلو به جد و هکذا
و در جمله دویت و چهار و دو ستاره دنباله دار
یکصد و نوزده عددشان بر تقواله می رود و یکصد

۳۴

بسیست ستر عدد برخلاف قول ذوات الاذنیان بسبب
استطاله مدارات خود بسیار بسیار از افق است و در می افتند
و بنا بر این از مناسک آن زمین که قریب جوار با افق است
و از این باب در جزو اعظم از مدارات خود رؤیت نشوند
و ظاهر نکردند جز الوقت که کمال قریب با افق حاصل کنند
و الوقت هم از برابر ساکنان زمین تند گذرند و لهذا
مدت ظهورشان بسیار اقل است

در جمله هشتصد و اند عدد ستاره دنباله دار که از
عهد حضرت مسیح تا کنون دیده شده سیصد و نوزده
عدد شانرا امتحین انظر بدقت رصد کرده اند که وضع
مداراتشان و حرکاتشان را درست بدست آورده اند
و در جمله این سیصد و نوزده پنجاه و هفت عددشان
بازگشت نموده اند و محقق شده که از توابع افق اند
و در عالم شمسه سیر میکنند و چون از ان ۱۲ ۳
عدد خارج کنیم مکررات را که چند بار بازگشت نمودند
باقی میماند دویت و شصت و چهار ستاره دنباله دار
ممنان که شکل مداراتشان از این قرار است

یکصد و هفتاد و هشت عدد مداراتشان بشکل
پارابول است
هفتاد و سه عدد مداراتشان بشکل بیضی است
چهار عدد مداراتشان بشکل هیپر بول است

عبور کنند از جسم هادی و بیکر تیر راه ان مسدود شود بواسطه اینکه ان جسم هادی بر او تیر قائمه یا حاده ملغوی میشود وقت
الکتریسیته اشنداد پیدا کند و این پیکه در معبران هستند بیکدیگر را جذب کنند و این قوه جاذبه نسبت معکوس در ارد با مجذور
فاصله ها چون الوقت بیکدیگر بسیار نزدیک میشوند و بیکدیگر فشرده میشوند موقتاً شکل کره پیدا می کنند زیرا که ان شکل
با لطیف در اجسام ساکنه موجود میشود و سرعت حرکت آنها نیز کم میشود و لیه چون ذرات بسیار صغیرند این سکون زود برهنه
اجزای صاعقه کروی بالاشترک در زمان بسیار کم در معبر خود اثر میکنند و لیه مستعدند که از یکدیگر جدا و منتشر شوند بیک
از همکای طبیع انکلیس که چرخ الماس بزرگ لندن در اخیان او بود مجبور میکرد انرا که بر قهای کوله شکل دهد بواسطه
مجاورت کلوهای بسیار کوچک بقسمه که در یک کوله شش ذره می خال از هوا بر قرار دیدند که طبیعتاً نزل نمود
(۶۵) هر چه صاعقه در حین عبور از هوا احدی ثور و صد میکند چ چونکه هوا هادی الکتریسیته نسبت
لهذا خاله شدن قوه الکتریسیته در ان یک نوع غایب پیدا میکند و جهت رفع ان عایق متحرک می سازد اطراف که تیشانیست

آن چهارده عدد دنیا له داره که مداراتشان منحنی
 دراز است بشکل هیپر بل معلوم است که تابع افتاب
 بنوده اند و در این عالم ما کذرا بوده اند و بلکه از آن
 یکصد و هفتاد و هفت عدد که پارابل شکل بوده اند
 احتمال میرود که بعضی از آن قسم باشند و بلکه ممکن است
 که بسیار بی از این پارابل شکلها بعضی شکل باشند
 و بی خیل مستطیل و خلاصه از آن هفتاد و سه عدد
 بیضی شکل نه عددشان تاکنون دیده ایم که باز کشته
 و بتجربه و حساب محقق شده است که این نه عدد

دوره ظهور و خفادارند

۹۸
 و از جمله آنها ذوزنب سال گذشته است که در خارج
 در حد و قطب شمال نمایان شد ابتدا طرف صبح و بعد
 بواسطه ترکیب حرکت خاصه زمین با حرکت خاصه خود
 بتدریج پیش افتاده از اول شب نمایان گشت و عاثر ناس
 کان بردند که آن دو ذوزنب است مختلف و دیگر ذوز
 ذنب که بعد از خفای آن فیما بین شمال و مغرب نمایان شد
 و دیگر همین ذوزنب است که در دهه اول شهر ذی قعد
 در طرف شرق نمایان شد قلیله قبل از طلوع افتاب

مدار این سه ذوزنب بیضی شکل است دور افتاب و بی
 خیل مستطیل و میل اولی از مدار افتاب قریب بود و در
 میشود و سمت حرکتش برخلاف توالی است از مشرق به

مغرب است و مضمون اینست که این ظهور نوبت اولین
 آن بوده و مدت دورانش خیل زیاد است و ذوزنبش طول
 رفته رفته از فاد و ر شده و ضعیف گشت تا بیکل منتهی
 و اما این ذوزنب هنوز در سن صد شده تا کم و
 کیف حالانش معلوم شود انشاء الله بعد از این

شرح خواهم داد
 بقیه در نمره آینده
مطلب دیگر امحض حفظ صحیح عاقره
بازاره دانش فرگشتا اند

مشبه نیست که سرایت بعضی امراض بواسطه مشارکت
 در غلیظانهای مجاری عاقره است و بی آن امراض در صورتی
 از شخصی بشخص دیگر سرایت کنند که در کلب دهها
 مریض فرجه همیشه مریه باشد و دریم یا براق او
 اوده بر ک غلیظان شود و دیگر بی از آن غلیظان
 بگشت و آن رطوبت مریه مجدوب غشاء مخاط
 دهان او گردد و کساکه که مبتلا با امراض ریه و
 آلات تنفس اند و از غلیظان میکشند در آن غلیظان
 از هوای مستخرج از تنفس خود چیزی بی باقی نکند
 که ورود آن آلات تنفس دیگر بی موجب سرایت
 مرض گردد اما اگر بیچند مرتبه مبتلا بسبل یا امراض
 صدری دیگر باشد و چنانچه رسم احترام است

و در هوا پراکنده است لهذا برق و نور پیدا میشود و با آنکه متحرک میسازد ذرات خود هوا را و احداث صوت
 و در عدمینا بد

(۶۶) **س** ایامنا عقره اگر عبور کند از محیط هادی احداث نور و صدا میکند **ج** خیر سئال الکترونیت
 در جسم هادی بدون صدا و روشنایی عبور میکند

(۶۷) **س** چرا عموما بعد از برق یک رک باز آن شده می آید **ج** بجهت اینکه خلوا الکترونیت سبب التک
 بخارا بی که در معبران واقعند مترکم می نماید و علاوه بر این برودت محوسه تولید میکند

(۶۸) **س** چرا عموما بعد از برق نابد تنده میوزد **ج** همان سبب که خلوا الکترونیت تولید برودت و اجتمعا
 بخارا بی میکند تولید باد هم میکند

(۶۹) **س** بردهای موسوم به برق حرارت کدامند **ج** بردهای رعد هستند که غالباً در شبها صاف

دود غلیان را از بالای میانه آن در کنند و بر آفتاب
یا شخص محترم در دهند هوای سینه او در غلیان باقی
می ماند و آنکه غلیان را بعد از بیرون کردن دود بپزند
ممکن است از آن هوای غیر سالم متاثر شده مرض سینه
پیش خدمت در او سرایت کند لهذا محض مراعات حفظ
صحت باید رسم اینگونه احترام و بیرون آوردن دود
غلیان را موقوف داشت و اگر دود را بیرون میاورند
بوضع دیگر باشد یعنی غلیان بے سر را بکشند
تا دودش خارج شود و از بالای میانه فوت نکنند
که هوای سینه آنها در غلیان بماند
دکتر بیکر حکیم باشه اداره ندکرا
ان کلیس

علوم طبیعی

بقیه اول
پس از اینکه ترکیب
باطنه و اجزاء عنصری آن معلوم شد و اعمال
کلی او در طبیعت اجسام مفرد و مرکب ثابت شد
هر یک از اعمال طبیعی در معرض امتحانات عدیه
در آمدند و حکما و علما در هر شعبه از فنون طبیعی
کشف مطالب مجهوله کردند و ما بر سبیل وعده

تابستان در افق نمایان میشوند

که در غله های سابقه دانش کرده بودیم بد کرد
مختصری از احتراق و شفق قناعت می نمایم و
احتراق را بر نفس مقدم میداریم زیرا که نفس
فوعی است از احتراق که در ابدان حیوانات
مولد حرارت میشود و اقوال حکمای متقدمین را
در این باب راجع میکنیم بکتاب مبسوطه که در
طبیعی و غیره نوشته اند
واقوالی را که از دو بیت سال قبل از این حکما
بجرب قائل شده اند ابراد نموده و منتهی به
بقولے که اکنون مسلم کل حکما است و با حشر و
تجربت میتوان ادله و بر اهین حکما را ثابت
کرد

محمد کاظم تبر احمد
معلم طبیعی
بقیه در شماره اتیه

مخضر غاکوئی وجود مبارک اعلی حضرت هایتی
روحنا فداه بر رسم معموله همه ساله
مدرسه مبارکه دار الفنون
ایام عاشورا تعطیل
سنت

(۷۰) چرا وقتی که بر قهای حرارتی نمودار میشود صدراعده شنیده نمیشود چرا که این بر قهای عبادت
از عکس بر قهای طوفانی که از افق تابستان دورند بهتر است که صدراعده قبل از آنکه بکوش ما برسند تمام شده و ممکن است که در
اندرون ابرها بپایا منبسط که نزدیک بیکدیگرند الکتریسته کوی اخل شود بدون اینکه صدراعده بکوش رسد انوقت برق پیر عد
واقعات و گاه شود که رعد شنیده شود و برق دیده نشود
(۷۱) ضربه الکتریک کدام است چرا که الکتریک عبارت است از خلوص متوالی یا با واسطه قوت الکتریسته
و ان وقت صورت می بندد که الکتریسته حادث شده بواسطه تفریق فوری الکتریسته متضاده یک دفعه از او پیشو
بقیه در شماره اتیه